

پیشرفت توسعه اقتصادی با نگاهی به تجارب دیگر کشورها

(تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۲/۰۲، تاریخ تصویب ۱۳۹۸/۰۶/۲۰)

دکتر بهنام اسدی

استاد دانشگاه

چکیده

در طول تاریخ بسیاری از حکومت‌ها تلاش کرده‌اند ساختار اقتصادی کشورشان را متفاوت با اصول توسعه اقتصادی کشورهای غربی راه‌اندازی نمایند. اما مسئله زمانی مهم می‌شود که از حوزه اقتصاد فراتر رود و مسائل حوزه ایدئولوژی را نیز شامل گردد. از آن مهم‌تر اینکه موفقیت روش‌های غیر غربی پیش روی کشورهای جهان قرار بگیرد. کشورهای غربی در طول تاریخ تلاش کرده‌اند به مردم کشورهای جهان نشان دهند تنها راه دستیابی به توسعه پیروی از اصول آن‌هاست. آن‌ها تلاش کرده‌اند دموکراسی و بازار آزاد را به عنوان یگانه راهکار دستیابی به پایداری و رفاه در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی معرفی نمایند. اما موفقیت چین و کارکرد مدل توسعه اقتصادی این کشور امروز به مردم دنیا نشان داده است که دموکراسی و بازار آزاد و به طور کلی پیروی از اصول کشورهای غربی یگانه راه دستیابی به توسعه نیست. در بسیاری از کشورهایی که در دهه‌های اخیر روند توسعه اقتصادی را با سرعت طی نموده و به الگویی برای سایر کشورهای در حال توسعه بدل شده‌اند، یک نهاد خاص متولی برنامه‌ریزی استراتژیک برای دستیابی به اهداف توسعه اقتصادی بوده است.

واژگان کلیدی: توسعه اقتصادی، پیشرفت اقتصاد، کشورهای در حال توسعه، سرمایه

گذاری، نقدینگی



مقدمه

در سال ۱۹۹۰ چین کشوری عقب مانده و از شوروی عقب تر بود. فقر بوفور دیده می شد. درآمد ناخالص ملی چین حدود ۶۰٪ شوروی بود. چین راه خود را انتخاب کرد و بدون عجله ای که گریبان گیر بسیاری از آنهایی که میخواستند یکشنبه ره صد ساله را ببینند مدل خود را که به مدل چینی مشهور شده است پیاده کرد. در این مدل، هر چند مکانیزم بازار آزاد تعیین کننده روابط اقتصادی است، ولی دولت جهت کلی اقتصاد و وظایف بنیادهای اقتصادی خصوصی را در جهت رفاه کلی تعیین میکند. بدین معنی که سیستم سرمایه داری چین مانند سیستم لجام گسیخته امریکائی نیست و بنیادهای اقتصادی (شرکتها) برای رفاه کارکنان خود و در قبال مملکت مسئولت دارند. در چین نتیجه با رشد سالیانه بین ۵ تا ۱۰ درصد از شوروی جلو زد و موازنه را بر عکس کرد تا جائیکه در آمد ناخالص شوروی در حال حاضر حدود ۶۰٪ چین است. بر عکس آنچه در کشورهای بلوک روسیه شوروی سابق رخ داده است، میزان فقر در چین کاهش قابل توجهی کرده است. باید توجه کرد که برای دولت چین آزادیهای فردی، سیاسی، اجتماعی، مذهبی، و غیره تقدم ثانوی دارند و دولت ملت را با زور گزنه زیر یوغ خود نگه داشته است. تجربه اتحاد جماهیر شوروی سابق نشان میدهد که این سیستم غیر دموکراتیک نیز، هر چند از نظر اقتصادی تاکنون بارور بوده است، بی دوام و از پا افتادنی است. این مقوله ایست که احتیاج به بحث جداگانه دارد و از حوصله این نوشته کوتاه خارج است.

بخش اول: شرایط لازم برای تحقق همزمان توسعه اقتصادی و جهانی شدن

علاوه بر شوروی، کشورهایی که درهای مملکت را بروی تجارت خارجی باز کردند و هم اکنون در حال رکود نسبی و یا در رشد رکودی (رشدی که نرخ آن برای اشتغال کامل کافی

نیست) قرار دارند، کشورهای آمریکای مرکزی و لاتین هستند. این کشورها در حال حاضر از رشدی کمتر از رشد دهه های قبل، که از سیاست جانشین سازی واردات با تولیدات داخلی استفاده میکردند برخوردارند. بنابراین امروزه می بینیم که آنهایی که جهانی شدن را برای توسعه لازم میدانستند و توسعه، بدون جهانی شدن را غیر ممکن قلمداد میکردند، تغییر موضع داده و میگویند که جهانی شدن شرط لازم و کافی نیست. برای تحقق همزمان توسعه و جهانی شدن، باید:

۱- دولت سیستم مالیاتی خود را بنحوی تغییر دهد تا کمبود بودجه ناشی از کاهش تعرفه های گمرکی را خنثی کند. در غیر این صورت بودجه دولت دچار کسری خواهد شد و اگر این کسری را با چاپ پول جدید حل کنند، کاری که کشورهای در حال توسعه که بازار پولی متری ندارند انجام میدهند، منتج به تورم خواهد شد که عوارض ناخواسته و نامطلوبی برای تمام بخشهای مختلف اقتصاد خواهند داشت. در این حالت قیمتها افزایش خواهند یافت و در نتیجه یخشهایی که در بازار جهانی رقابت میکنند ممکن است که مزیت نسبی خود را از دست بدهند. واردات افزایش خواهد یافت و کسری تراز پرداختها مملکت را دچار مشکلات ارزی خواهد کرد و گرفتار دور معیوب تورم- رکود خواهد کرد.

۲- دولت سیستمی برای تعلیم و کارآموزی مجدد و اشتغال کارگرانی که شغل خود را در روال جهانی شدن از دست میدهند نهادینه کند. بطور کلی، صرف نظر از جهانی شدن اقتصاد، تعلیم و کارآموزی مجدد و اشتغال کارگران احتمالاً مهمترین وظیفه دولت برای توسعه است. بدین معنی که صرف نظر از اینکه کشوری بخواهد وارد بازار جهانی بشود یا تصمیم بگیرد که در خارج سیستم سازمانهای رسمی جهانی فعالیت کند باید کارآموزی مجدد کارگران را در بالای قدمهای خود قرار دهد چون استخدام تکنولوژیهای جدید (چه خانه زاد و چه وارداتی)



دائماً باعث جابجائی کارگران خواهد شد. بنابراین تعلیم و تربیت و کارآموزی مجدد کارگران لازمه رشد و توسعه اقتصادی است و بستگی به جهانی شدن یا نشدن مملکت ندارد. برای افزایش اشتغال و افزایش کارآئی باید تکنولوژی جدید استخدام کرد و این روند احتیاج به کارگران جدید با تخصصهای جدید دارد و این وظیفه دولت است که احتیاجات مملکت را پیش بینی و برای رفع موانع پیش بینی شده برنامه ریزی کند. علاوه بر جلوگیری از بیکاری هویدا یا مزمن یکی از مزایای جانبی تعلیم و تربیت نیروی انسانی برای تکنولوژی جدید جلوگیری از افزایش فقر است. بدین ترتیب، آنهایی که تخصص مورد تقاضای بازار را دارند کمتر بیکار میشوند و همچنین حقوق و مزایای بالاتری را برای زندگی فراهم میآورند.

۳- موسسات آموزشی خود را برای تعلیم و تربیت نیروی ورزیده انسانی لازم برای رقابت با کارگران بازارهای جهانی آماده سازند. این نکته متکمل نکته قبلی است. موسسات تعلیم و تربیت باید موازین علمی خود را با توجه به احتیاجات بازار جهانی تعیین کنند. بدین معنی که دبیرستانها و دانشگاهها باید فارغ التحصیلان خود را برای فعالیت در شرکتها و موسساتی که در بازار جهانی رقابت میکنند آماده کنند در غیر این صورت شرکتها و موسسات نمیتوانند تولیدات خود را با معیارهای جهانی تطبیق داده و بزودی از دور خارج خواهند شد.

۴- دولت سیستمی برای نقل و انتقال کارگران به نقاط و بخشهایی که مورد احتیاج هستند ایجاد کند. سیستمهایی که دارای اقتصادی پویا هستند همگی دارای این وجه مشترکند که کارگران به یک شهر یا یک کارفرما (در اروپا حتی به یک مملکت) پایبند نیستند. کارگران به جایی که کار بهتر با حقوق بیشتر به آنها میدهند میروند و در نتیجه بیکاری و یا کم کاری را به حداقل میرسانند. آنهایی که تحرک ندارند، آنهایی که پایبند مکان و شغل بخصوصی هستند، آنهایی هستند که با بیکاری و کارهای پست تر با حقوق کمتر راضی هستند. بنابراین دولتها باید

سیستم مالی و اطلاعاتی سراسری ایجاد کنند که بر اساس آن سرمایه داران و کارگران سراسر جامعه متحرک و دینامیک شوند تا منابع بطور صحیح در جایگاه بهتر و بیشتر قابل استفاده هستند بکار گماشته شوند.

۵ - دولت سیستمی برای کمک به شرکتهایی که نمیتوانند با شرکتهای جهانی رقابت کنند بوجود آورد که یا به بخش دیگری انتقال یابند و یا با نظمی که لطمه نامطلوب و بی حساب به اقتصاد محلی و ملی وارد نشود به آنها کمک کند از بازار خارج شوند. آنها که به جهانگرایی معتقدند کمتر به جهات منفی آن توجه میکنند. باید توجه کرد که توسعه و جهانی شدن مستلزم باز سازی و دوباره سازی پی در پی اقتصاد مملکت است. این باز سازیها و دوباره سازیها یک امر پی در پی و دائمی و همیشگی هستند و جنبه ترمیمی دفع الوقی ندارند. برای بر جا ماندن، موفقیت، و پویائی هر شخص، هر شرکت، و یا هر کشوری، آن شخص، شرکت، و یا کشور باید بطور پیوسته خود را بازسازی و نوسازی کند. آنها که خود را باز سازی و نو سازی نمیکنند فسیل و حذف میگردند. دولت باید سیستمی نهادینه کند که بتواند صنایع خوب را از بد تشخیص داده و صنایع و شرکتهایی را که با توجه به معیارهای بین المللی قابل نجات هستند کمک کند و آنهایی که امیدی به نجاتشان نیست را کمک به تعطیل کنند تا منابع مملکت به هرز نروند

۶- سیستم بانکی خود را برای معامله و مقابله با بانکهای جهانی آماده سازد. کشورهای پیشرفته سعی میکنند هر چه بیشتر بخشهای خدماتی خود را (مانند بازار پول و بانکداری، بیمه، سیستمهای اطلاع رسانی، ارتباطات و غیره که از نظر محیط زیست تمیزتر و سالمتر هستند) جانشین بخشهای صنعتی (صنایعی مانند اتومبیل سازی و فولاد که از نظر محیط زیست کثیف تر و نا سالمتر هستند) بنمایند. این کشورها بطور مستقیم و یا از طریق سازمانهای بین المللی

مانند بانک جهانی پول و سازمان تجارت جهانی به کشورهای دیگر فشار می‌آورند که بازار بانکی، پولی، ارتباطی و خدماتی خود را بازتر و آزادتر نگهدارند. برای پیاده کردن این برنامه، این کشورها معمولاً استدلال میکنند که سرمایه به جایی میرود که سود و بازدهی بیشتری داشته باشد و همچنین دولت از سیاستهای اقتصادی قابل قبول برای پائین نگهداشتن نرخ تورم استفاده کند. بنابراین اگر سیستم پولی آزاد باشد و پول بطور آزاد وارد و خارج شود و ترسی از مصادره و کنترل در ورود و خروج پول و یا برقراری مالیات بر روی ورود و خروج پول وجود نداشته باشد، و همچنین ترسی از تورم قیمتها و یا تنزل ارزش پول وجود نداشته باشد، سرمایه های خارجی که دنبال سود بیشتر هستند وارد خواهند شد و مملکت را که از نظر سرمایه در مضیقه هستند یاری میرساند. هر چند که این استدلال در تئوری منطقی است، در عمل باعث نوسانات بسیار گرانبھائی برای ممالک در حال توسعه، چه در آسیا و چه در آمریکای مرکزی و جنوبی بوده اند.

در اینجا باید بین سرمایه های دراز مدت که برای ایجاد صنایع به کشور فرا خوانده میشوند و سرمایه های کوتاه مدت ("سرمایه های داغ") تمایز قائل شد. سرمایه های نوع دوم (سرمایه های سفته بازان) میتوانند مخرب باشند و باعث تنزل نرخ ارز بشوند، همانطوریکه کشورهای مکزیک، آرژانتین، کره جنوبی، مالزی، تایلند، و اندونزی را به ورطه ورشکستگی بردند. سرمایه های دراز مدت که برای تقویت صنایع تولیدی صنعتی، ساختمانی، کشاورزی، و غیره وارد میشوند نه تنها مخرب نیستند، بلکه میتوانند هم مضیقه سرمایه ای را حل کنند و هم میتوانند با خود تکنولوژی جدید به همراه بیاورد. در نتیجه با جذب این نوع سرمایه ها میتوان با یک تیر دو نشان زد و دو مُعضل مهم کشورهای در حال توسعه، کمبود سرمایه و عدم دسترسی به تکنولوژی جدید، را حل کرد.

۷- بانک مرکزی یک رژیم قابل اعتماد ارزی برای مملکت برقرار سازد و همچنین ذخائر ارزی برای دفاع از نرخ ارز در صورت حمله سفته بازان بین المللی مهیا باشد. انتخاب رژیم ارزی لزوماً احتیاج به ملاحظات زیادی دارد. در نظر اول نرخ ارز بستگی به سطوح قیمت ها در کشورهای مختلف دارد. اگر قیمتها در ایران هزار برابر قیمتها در ترکیه است، پول ترکیه هزار برابر ریال ایرانی ارزش خواهد داشت. در اینجا باید دید که چه عواملی تعیین کننده سطح قیمتها هستند. در حال حاضر بیشتر اقتصاد دانان معتقدند که، در نهایت، سطح قیمتها بستگی به عرضه و تقاضای پول، میزان تولید ناخالص ملی، و انتظارات مردم در مورد نرخ ارز در آینده، دارد. اگر پول بیش از آنچه مورد تقاضا است به گردش گذاشته شود، باید قیمتها افزایش یابند تا مازاد پول تولید شده حذف شوند. یعنی اینکه میزان پول در گردش، به قیمت ثابت، باید برابر میزان تقاضای آن به قیمت ثابت باشد، در غیر اینصورت باید مقدار اضافی از سیستم خارج شود و این عمل بوسیله افزایش قیمتها انجام میشود. باید توجه کرد که میزان تقاضای پول بستگی به درآمد ناخالص ملی دارد و میزان پول مورد تقاضا با افزایش درآمد ملی افزایش خواهد نمود در نتیجه عرضه پول باید افزایش یابد ولی افزایش عرضه پول باید باندازه افزایش تقاضا باشد. حال اگر نرخ رشد پول ایران نا معقولانه و بی دلیل افزایش یابد در حالیکه در ترکیه نرخ رشد پول حالت معمول و معقول سنواتی خود را حفظ کند، چون این امر خبر از افزایش سطح قیمتها، بیش از پیش در ایران در مقایسه با ترکیه خواهد بود ارزش پول ایران در بازار تنزل خواهد نمود. حال باید دید که به چه ترتیب باید داده ها را برای تعیین نرخ ارز استفاده کرد.

از نظر تئوری، وقتی شوک‌هایی که به اقتصاد مملکت وارد میشوند حقیقی باشند (مانند تغییر در تکنولوژی و تغییر در سلیقه که بنیانی هستند) و یا از خارج از کشور شروع شده اند، رژیم ارزی



شناور بهتر عمل میکند. در حالیکه وقتی شوکها پولی هستند (مانند کاهش یا افزایش تقاضا برای پول در گردش)، که اصولاً اثرشان بر روی قیمتهاست، رژیم ارزی با قیمت ثابت برتر است. این استدلال وقتی درست است که ما بطور مصنوعی اقتصاد را به درد بخش حقیقی و پولی تقسیم کنیم. این رویه جدا کردن بخشهای حقیقی و پولی به اقتصاد دانان این فرجه را میدهد تا اثرات ارزی بر قیمتها و اثر تغییرات قیمت ها بر اقتصاد، تا جائیکه قیمتهای نسبی تغییر نکرده اند، را نادیده بگیرند. با این رویه اقتصاد دانان اثرات تغییر قیمت ارزها در بازار را که فقط بر قیمتهای مطلق اثر دارند و قیمتهای نسبی را بی تغییر میگذارند ناچیز و بی هزینه میخوانند. اخیراً عده ای از اقتصاد دانان، (موریس آبستفلد و کینث راگ آوف) این رویه دوگانگی اقتصاد را کنار گذاشته و در نتیجه توانسته اند که هزینه این نوسانات رادر اقتصاد ملی تخمین بزنند. بعقیده آنها این نوسانات در حدود یک درصد تولید ناخالص ملی هزینه دارند. برای آنها که بازار برایشان اکگوی ایدهآل است اتکاء به بازار انتخابی بهتر و برتر است. برای کشورهای فقیر و در حال توسعه که دارای سیستم پولی و بانکی قوی و ثروتمندی نیستند بازار آزاد ممکن است که معشوق وفا داری نباشد و حتی ممکن است که نا مطلوب باشد. سیستم ارزی شناور بازار آزاد که نرخ ارز را هر لحظه بر مبنای داده های اقتصادی، سیاسی، و روانی تعیین میکند متضمن دو حُسن است. حُسن اول جذب کردن شوکهای پولی ایست که از داخل و یا خارج از مملکت سرچشمه گرفته باشند. حُسن دوم اعمال انضباط مالی بر دولت و انضباط پولی بر بانک مرکزی است. انضباط مالی و پولی مستلزم موفقیت این رژیم است. استخدام رژیم شناور معمولاً در جاهائیکه بانک مرکزی از دولت مستقل است و تنها هدفش کنترل میزان پول و در نتیجه قیمتهاست بسیار موفق آمیز بوده است. در زمانی که کشوری چه از نظر مالی (میزان هزینه ها و مالیاتهای دولتی) و چه از نظر پولی (میزان پول در گردش) انضباط داشته باشد و بی رویه پروژه های جور و واجور (بخصوص پروژه هائی که تولیدی

نیستند و یا نمیتوانند هزینه خود را تامین کنند) براه بیاندازد و کسری بودجه خود را با چاپ اسکناس تامین نکند، هر رژیم ارزی شناور یا قیمت ثابت میتواند موثر باشد. در صورتیکه انضباط نداشته باشند وبی رویه پروژه های جور و واجور (بخصوص پروژه هائی که تولیدی نیستند و یا نمیتوانند هزینه خود را تامین کنند) براه بیاندازند و کسری بودجه خود را با چاپ اسکناس تامین کنند، دچار بحران ارزی خواهد شد. به طور کلی، هر کشوری فقط میتواند از میان سه متغیر فقط دو تای آنها را که تشخیص میدهد مهمترین کنترل کند و سومی را برای نوسان آزاد نگه بدارد. در این مورد، سه متغیر عبارتند از اجرای سیاستهای پولی داخلی مستقل، نرخ ارز ثابت، و آزادی ورود و خروج سرمایه. در هر حال، باید توجه کرد که هیچکدام از رژیمها، بخودی خود، درد ارزی مملکت را درمان نخواهند کرد. دشواریهای ارزی، غیر از مواردی که پول مملکتی مورد حمله سفته بازان بین المللی واقع میشود و بحران نقدینگی ایجاد میکنند، بیشتر بعلت بلند پروازیهای حساب نشده و بی پروائی دولت و بانک مرکزی است.

۸- سیستم بانکی خود را برای ورود و خروج سرمایه (بخصوص برای سرمایه های فرّار بین المللی) آماده سازد. این مسئله ای بود که در سالهای آخر دهه ۱۹۹۰ کشورهای آسیای جنوب شرقی، آرژانتین و مکزیک را به پرتگاه ورشکستگی کشاند. در حال حاضر، بر اثر آن نواسانات نا مطلوب اقتصاد آرژانتین در بی سروسامانی بسر میرد. در دهه ۱۹۹۰ آرژانتین بعلت استفاده از هیئت ارزی (کارنسی بورد: برای توضیح رجوع کنید به پا ورق شماره ۱) سروسامانی خوب داشت و بعنوان نمونه ای از اقتصاد موفق معرفی میشد. هر چند که سیستم هیئت ارزی که استفاده میکرد با سیستم کلاسیک مغایرت داشت و بانک مرکزی هنوز فعال بود و ۱۰۰٪ بدهیهای آن با ارز خارجی ضمانت نشده بود ولی بطور کلی هیئت ارزی مسئول



مسائل پولی/ارزی بود. با اعتمادی که در سیستم ایجاد شده بود سرمایه های خارجی وارد میشدند و توسعه اقتصادی شکل میگرفت. ولی دیری نپائید که بحران برزیل چهارچوب سیستم را لرزاند و بذر سقوط سیستم هیئت ارزی در آرژانتین را بر زمین ریخت.

سقوط سیستم آرژانتینی با تنزل پول برزیل (که بمعنی و متضمن افزایش ارزش پول آرژانتین بود) وعدم توانائی دولت در کنترل هزینه های خود در حدی که اضافه بودجه لازم برای باز پرداخت وامها و بهره آنها بوجود آید شروع شد. افزایش پول آرژانتین (پی سو) باعث افزایش قیمت کالاهای صادراتی آرژانتین و در نتیجه کاهش فاحش صادرات و درآمد صادراتی آرژانتین شد. از طرف دیگر قروض آرژانتین و بهره آنها میبایستی از اضافه بودجه دولت پرداخت میشد ولی اضافه بودجه دولت کفایت نمیکرد. رشد درآمد های مالیاتی در سطحی که رشد هزینه ها را تامین نماید و اضافه بودجه مورد لزوم برای باز پرداخت وامها و بهره آنها وجود نداشت. تا زمانی که ترس و تردید گریبانگیر سرمایه داران آرژانتینی و خارجی در قدرت هیئت ارزی آرژانتین برای دفاع از پی سو همه گیر نشده بود، ورود سرمایه ادامه داشت و مسئله ای ایجاد نشد. ولی وقتی که ترس و تردید گریبانگیر سرمایه داران آرژانتینی و خارجی در قدرتهیست برای دفاع و نگهداشتن قیمت پی سو همه گیر شد سرمایه داران خواهان افزایش نرخ بهره بالاتر از نرخ معمول بازار برای خرید اوراق قرضه دولتی شدند. ترس و تردید در استقامتهیست و نگهداری نرخ ارز به قیمت ثابت شدت پیدا کرد و خروج سرمایه ها شروع شد و بعد از مدتی سیستم فرو پاشید. ولی میتوان گفت که علت فرو پاشی سیستم ناتوانی آن در مقابله با شوک خارجی بود.

بخش دوم: شناخت رژیم های حاکم اقتصادی

هر کشور میتواند یکی از شش رژیم زیر را انتخاب کند:

(Flexible float) الف - رژیم نرخ شناور آزاد

اولین رژیم برای کشورهایی که دارای سیستم مالی و پولی دینامیک و پیشرفته اند و قدرت مالی و پولی آنها میتواند جلوی حملات پولی سفته بازان ایستادگی کند سیستم نرخ شناور بازار آزاد است. در این رژیم نرخ ارز با توجه به داده های اقتصادی، سیاسی، و روانی روز تغییر میکند و با توجه به اینکه نرخ ارزها ممکن است در کوتاه مدت بالاتر و یا پایینتر از نرخ تعادل آن باشد، در دراز مدت در حول و حوش نرخ تعادل خودشان نوسان خواهند کرد. این رژیم در سه دهه گذشته طرفداران بسیاری پیدا کرده است ولی هنوز مهمترین وجوه آن انضباط مالی و پولی و همچنین ضرب خور شوکهای پولی است. هر چند در این رژیم بازار تعیین کننده است ولی در عمل کشورها بطور مستقیم یا غیر مستقیم در بازار برای بالا بردن و پائین بردن نرخها دخالت میکنند.

(Fixed exchange rate) ب - رژیم ارزی با قیمت ثابت

رژیم دیگری که بیشتر کشورها استفاده میکنند رژیم ارزی با قیمت ثابت است. در این رژیم بانک مرکزی نرخ ارزها را بر مبنای قیمت پول کشور بخصوصی مانند دلار، یورو، یا بر مبنای متوسط چند ارز (سبدی از ارزها مانند اس دی آر، واحد پولی بانک جهانی پول)، و یا بر مبنای کالائی مانند طلا یا نقره تعیین و هر از چند گاهی ممکن است بر مبنای سیاستهای بازرگانی و پولی، یا بعلت معیارهای اقتصادی، و یا بر اثر فشار بازار این قیمتها را بالا و پائین ببرد.

(Managed float) ج - رژیم نرخ شناور اداره شده

سومین رژیم، رژیم بینا بینی است که قیمت ارز را از طریق بازار آزاد تعیین میکند ولی اگر نرخ ارزها بالاتر و یا پایینتر از قیمتی که برای اقتصاد مملکت مضر بنظر آید، دولت (بانک مرکزی)



مداخله خواهد کرد و با خرید و فروش ارز آنرا بطرف نرخ "ایده آل" برمیگردانند. این عمل مستلزم این است که ذخیره ارزی کافی برای خرید و فروش ارز در بازار آزاد وجود داشته باشد. در این رژیم تاریخ بخصوصی برای مداخله وجود ندارد. همچنین میزان نرخ ایده آل ارز نیز مشخص نیست.

(Crawling pegs) د - رژیم ارزی خزنده

این رژیم مانند رژیم ارزی با قیمت ثابت است با این تفاوت که بانک مرکزی (دولت) از قبل اعلان میکند که نرخ ارز بستگی به میزان متغیرهای مشخص (مانند نرخ تورم قیمتها در گذشته، نرخ تورمی که انتظار میرود در آینده تحقق یابد، و یا اختلاف بین نرخ تورم داخلی و کشورهای طرف معامله) دارد و در زمانهای معینی، نرخ ارزها را با توجه به تغییرات در آن متغیر و یا متغیرها بالا و یا پایین میبرد. میزان تغییرات (نرخ خزندگی) ممکن است که ۱۰۰٪ تغییر در میزان متغیرهای مشخص و یا کمتر باشد و بستگی به سیاست بانک مرکزی دارد. در این رژیم دست اندرکاران تجارت خارجی از قبل میدانند که آینده چیست و با قاطعیت و بدون تشویش کار خود را پیش خواهند برد.

(Currency Board) ه - هیئت مدیره ارزی: کارنسی بورد

پنجمین رژیم ارزی سیستمی با نرخ ثابت است که بوسیله هیئت مدیره ای (هیئت ارزی) اداره میشود. این هیئت یکی از میراثها و بدعتهای دوران استعماری است. این نوع رژیم معمولاً از طرف کشوری اتخاذ میشود که تحت فشار بسیار زیاد بازار قرار بگیرد و اطمینان بازار برای اعاده ثبات و تعادل را کاملاً از دست داده باشد. همچنین این سیستم برای کشورهایی که تجربه کافی و لازم برای سیاستهای پولی نداشته اند مانند کشورهای وابسته به اتحاد جماهیر شوروی

سابق، مفید است. در این صورت سیاست ارزی و پولی مملکت به هیئتی که مورد اعتماد بازار، بانکهای داخلی و خارجی، و بخصوص بانک جهانی پول هستند، داده میشود. سرآغاز این سیستم ارزی معمولاً با سیاستهای پولی بسیار سخت، خصوصی سازی، تعادل بودجه دولتی، و عدم دسترسی دولت به بانک مرکزی برای استقراض همراه میباشد. مهمترین وجوه این رژیم کنترل شدید پول و وام به دولت و بانکها است. در این رژیم، هیئت مدیره، قاطعانه، مسئول خرید و فروش ارز به قیمت ثابت و تغییر ناپذیر است. نرخ بهره در بازار آزاد تعیین میشود و مستقیماً به نرخ بهره کشوری که پول آن بعنوان پول ذخیره تثبیت شده است در ارتباط است. هیئت ارزی باید باندازه کافی ارزهای خارجی دلار آمریکا، ین ژاپن، یورو اروپا، و نظیر آنها) در اختیار داشته باشد تا بتواند کلیه قروض مملکت را تبدیل کند و در صورت تقاضا پردازد. معمولاً این ویژگی کشور را به پشتیبانی بانک جهانی پول، بانکهای بزرگ بین المللی، و کشورهای متبوعه این بانکها برای کمک در مواقع ضروری نیازمند میسازد. این هیئت موقتی نیست و دولت و بانک مرکزی بطور کلی از سیاست پولی محروم میشوند و هیئت ارزی کلیه تصمیمات ارزی و پولی را به عهده میگیرد تا نرخ تورم به سطحی قابل قبول برسد، کسری بودجه دولت از بین برود، اعتماد به سیستم باز گردد، و رشد اقتصادی بوقوع پیوندد.

بلغارستان یکی از کشورهایی است که از این رژیم استفاده کرده و هر چند که رشد اقتصادی قابل توجهی نداشته است ولی از سایر وجوه تقریباً موفق بوده است. کشورهای دیگری که در حال حاضر از این سیستم استفاده میکنند بیشتر جزو کشورهای وابسته به اتحاد جماهیر شوروی سابق هستند که توانایی و دانش آنها در مورد مسائل پولی و بانکی بسیار محدود است. فهرست کشورهایی که از این سیستم استفاده کرده یا استفاده میکنند شامل هانگ کنگ، آرژانتین، استونیا، بازنیاز گوینا است. روسیه تقریباً این سیستم را انتخاب کرد ولی باجرا نگذاشت.

آرژانتین بین اول آوریل ۱۹۹۱ و ششم ژانویه ۲۰۰۲، با تخلفاتی از چهارچوب هیئت ارزی کلاسیک، از این رژیم استفاده کرد. این رژیم وقتی فرو پاشید که سرمایه گزاران داخلی و خارجی تصمیم گرفتند که سیاستهای مالی کشور قابل ادامه نیستند و سرمایه های خود را خارج کردند. در سالهای قبل از استفاده از این هیئت نرخ رشد قیمتها سرسام آور و به ترتیب ۲۰۰٪ (۱۹۸۸)، ۳۳۳٪ (۱۹۸۹)، ۲۳۱۴٪ (۱۹۹۰)، و در سال ۱۹۹۱ در حدود ۱۷۱٪ بود. در سال ۱۹۹۲، اوین سال بعد از استقرار هیئت ارزی نرخ تورم به ۲۴٫۸٪ رسید و در سالهای بعد به حدود صفر و یا حتی منفی نیز تنزل یافتند. در سالهای بعد از فرو پاشی هیئت ارزی نرخ رشد مجددا سیر قبلی خود را آغاز کرد و به ترتیب ۲۵٫۸٪ در سال ۲۰۰۲ و ۱۳٫۴٪ در سال ۲۰۰۳ افزایش یافت. چنانچه این تجربه نشان میدهد هیچ سیستمی بخودی خود جوابگوی تمام مشکلات نیست و همه واحدهای اقتصادی و سیاسی (بانک مرکزی مستقل و استوار باضافه دولت آینده نگر و بی ریا) باید برای بقاء و رشد موزون داخلی و خارجی مملکتی دست بدست هم بدهند.

و - جایگزینی پول ملی با پول خارجی

رژیم ششم جایگزینی پول ملی با پول کشوری دیگر مانند دلار، ین، یا یورو است. در این صورت دولت سیاست پولی مملکت را بطور کلی از دست میدهد و مقدار پول در گردش بستگی به میزان واردات و صادرات مملکت دارد. اگر صادرات بیشتر از واردات باشند مقدار پول در گردش زیاد و اگر واردات بیشتر از صادرات باشند مقدار پول در گردش کم خواهد شد. این سیستم در پاناما، اکوادور، السالوادور بر قرار است و دلار امریکائی را بعنوان پول استفاده میکنند هرچند که از نظر تئوری رابطه بین قیمتها و یا میزان پول در گردش با نرخ ارز معقول به نظر میرسد، تحقیقاتی که تا کنون انجام شده نتوانسته اند که صحت این رابطه را

در عمل و تجربه و برای پیش بینی نرخ ارزها نشان دهند. احتمالاً اشکال این امر فرضاتی هستند که مدل پولی بر مبنای آنها ساخته شده است. در این مدل فرض بر آزادی نوسانات قیمتها و دستمزدها و متحرک بودن نیروی کار میباشد که در بسیاری از موارد ممکن است کاملاً درست نباشند.

نتیجه گیری

تجربه کشورهای چین، هند، تایوان، و کره جنوبی در مقایسه با کشورهای آفریقائی و آمریکای لاتین حد اقل پنج نکته را نشان میدهد. اول اینکه تجارت خارجی میتواند راهی برای توسعه و رشد بسیار قابل توجهی باشد. این دستاوردی است که همه طرفداران جهانگرایی در تمام نوشته های خود برای اثبات نظر خود ارائه میدهند. دوم اینکه این کشورها، برخلاف کشورهای آفریقائی و آمریکای جنوبی، درهای کشور خود را ولنگارانه باز نگذاشتند و اجازه ندادند که شرکتهای خارجی و سازمانهای بین المللی مانند سازمان تجارت جهانی و صندوق پول جهانی شیوه رشد و توسعه را به آنها دیکته کنند. آنها راه و روش خود را در طی چند دهه (نه در چند سال) طرح ریزی و با موفقیت پیاده کردند. در این روال، حتی امروزه، این کشورها از سیستمی که بوجود آورده اند با تمام قوا دفاع میکنند و از شکستن هیچ قانونی برای حفظ آن رویگردان نیستند. بطور مثال چینها و هندیهها از متخلفان بزرگ دنیا در مورد کپی کردن نرم افزار کامپیوتری هستند و با اینکه تمام دنیای توسعه یافته برای حل این موضوع به آنها فشار میاورند، هنوز به این رویه خود ادامه میدهند. سوم اینکه کشورهای چین، هند، تایوان، و کره جنوبی قبل از جهانی شدن، رشد و توسعه داخلی را دایر و زیر بنا کرده بودند و از جهانی شدن تدریجی برای گسترش رشد و توسعه زیر بنا شده استفاده کرده اند. و این بر عکس روالی است که کشورهای آفریقائی و آمریکای جنوبی استفاده کردند. کشورهای



آفریقائی و امریکای جنوبی قبل از اینکه زیر بنای اقتصادی لازم برای رشد و توسعه و رقابت در دنیائی که فقط برنده شدن و انباشت سرمایه مهم و مطرح است بوجود آورده باشند وارد گود شدند و نتیجه آن شکست در جهانی شدن و مهمتر از آن عدم موفقیت لازم در رشد و توسعه اقتصادی بوده است. چهارم اینکه کشورهایی که موفق بوده اند آنهایی هستند که سیاستهای پولی را برای حفظ ارزش پول استفاده کرده اند و نه برای رشد اقتصادی کوتاه مدت، نا پایدار، و گذرا از طریق تورم قیمت ها. بدین معنی که سیاستهای پولی را برای تسهیل امور مالی دولت بکار نمیگیرند بلکه مصالح درازمدت اقتصاد کشور بیشتر مورد نظر بوده است. برای این منظور کشورها بیشتر به طرف استقلال کامل بانک مرکزی از دولت و محدود کردن وظایف و اهداف بانک به کنترل قیمتها (نگهداری ارزش پول) از طریق کنترل میزان پول در گردش میروند. بنابراین کشورهایی که در خود این انضباط سیاسی - اقتصادی را نمیینند که بانک را آزاد، مستقل، و فقط مسئول کنترل قیمتها نمایند، به سیستمی مانند هیئت ارزی متصل میشوند که این وظیفه را برایشان انجام دهد. نکته پنجم این است که کشورهای چین، هند، تایوان، و کره جنوبی بطور تدریجی و در دراز مدت وارد بازارهای جهانی شدند و سعی نکردند که یکشنبه ره صد ساله بپیمایند. در نتیجه با چشمان باز راه و جای خود را در بازار جهانی پیدا و مستقر کردند. صبر و ظفر دوستان و همراهان قدیمی اند و در صورتی که همراه با عرق جبین بشوند میتوان امید به موفقیت داشت. بنابراین، برای موفقیت، باید سعی و کوشش را به صبر و ظفر افزود.

منابع و مآخذ

- ۱-بانک مرکزی مجله علمی تخصصی روند شماره‌های ۳۶ و ۳۷ اسفندماه ۱۳۸۱ تهران.
- ۲-حبیبی نادر فساد اداری عوامل مؤثر و روشهای مبارزه با فساد مؤسسه فرهنگی انتشارات وثقی تهران ۱۳۷۵.
- ۳-روزبهان ، محمود ، مبانی توسعه اقتصادی انتشارات تابان چاپ ششم تهران ۱۳۸۱ .
- ۴-سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات قانون بودجه سنواتی کشور در سال های مختلف
- ۵-سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور " قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی ، اجتماعیجمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۸۸)"
- ۶-فرجادی ، غلامعلی ، اقتصاددانان بزرگ قبل از کینز ، انتشارات وثقی تهران ۱۳۵۷ .
- ۷-فرجادی ، غلامعلی ، ظهور و افول علم اقتصاد توسعه مجله برنامه و توسعه شماره ۹ بهار ۱۳۶۶
- ۸- فرهنگ ، منوچهر ، اقتصاد معاصر ، رشد ، بحران و استراتژیهای اقتصادی انتشارات سروش تهران ۱۳۷۶ .
- ۹-قدیری اصلی ، باقر ، سیراندیشه اقتصادی انتشارات دانشگاه تهران چاپ نهم ۱۳۷۶ .
- ۱۰-م - سوادگر ، اقتصاددانان کلاسیک و نظریه ارزش انتشارات افست چاپ دوم ۱۳۵۷ ، تهران .

- ۱۱- نصیری ، حسین ، توسعه پایدار چشم انداز جهان سوم انتشارات فرهنگ و اندیشه چاپ اول تهران ۱۳۷۹ .
- ۱۲- گلدوزیان. ایرج، بررسی تعریف جرم محاربه و افساد فی الارض در فقه و حقوق ۱۳۹۲.
- ۱۳- شامبیاتی، دکتر هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، جلد سوم (جرائم بر ضد مصالح عمومی کشور)، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۸.
- ۱۴- نعناکار، مهدی، افساد فی الارض در فقه و حقوق موضوعه، انتشارات مرسل، ۱۳۷۷.
- ۱۵- بای، حسینعلی، مقاله افساد فی الارض چیست؟ مفسد فی الارض کیست؟
- ۱۶- حبیب زاده، محمد حعفر، محاربه و افساد فی الارض در حقوق جزای اسلام، انتشارات کیهان، زمستان ۱۳۷۰.
- ۱۷- بابایی، محمدعلی؛ انصاری، اسماعیل، تحلیل هزینه های جرم ، نامه مفید، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۹۴
- ۱۸- پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی
پژویان، جمشید: مداح، مجید، بررسی اقتصادی قاچاق در ایران، پژوهشنامه اقتصادی ، بهار ۱۳۸۵، شماره ۲۰
- ۱۹- کلی ، کیاندرخت ، مقاله نظام اداری و قاچاق کالا ؛ ار علت شناسی تا راه کارهای پیشگیرانه ، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم ، سال پنجم ، شماره چهاردهم ، بهار ، ۱۳۸۹
- ۲۰- جفره ، منوچهر ، مقاله نقش دو گانه سیاست های بازرگانی خارجی و واکنش های اجتماعی قانونی در برابر پدیده قاچاق ، مجله سیاسی - اقتصادی ، شماره ۲۳۱-۲۳۲